



## پایگاه داخلی و خارجی

### استبداد در ایران

#### کیومرث در کشیده

ایران کشور کهنسال است که در طی تاریخ، دوره‌های تمدنی گوناگونی را تجربه کرده و به علت جغرافیای سیاسی خود تحت تأثیر امواج تمدن‌های گوناگون و به بسا متضاد نیز قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی باعث آن شد تا بسیاری از دوران حیات خود را صرف مبارزه با هجوم اقوام بربر و نیمه وحشی نماید که از آسیای میانه به سمت ایران سرازیر می‌شدند چه ایران در سر راه قباایل کوچنده قرار گرفته بود و این امر در سرنوشت او از آسمن آریایی‌ها تا اقوام ترک و مغول و... تأثیر عمیق داشته است.

آریایی‌ها در هنگام ورود به ایران، از لحاظ سازمان اجتماعی در زندگی شاسی بودند و کلان مهم‌ترین واحد اجتماعی آن‌ها به شمار می‌آمد کرامی و بی‌اسی سکسی ایران را اجباراً متفرق نمود و قوم آریایی بسیار کمتر از اقوام دیگر متراکم شدند اوضاع طبیعی موجب توسعهی نواحی استقلال کلان‌های شسانی و کشاورزی در هر ناحیه و حاکم در دژه گردید و در نهایت وضع طبیعی و اقلیمی سبب شد تا وحدت ایران به کنندی صورت گیرد کرامی و بی‌اسی علاوه بر تفرق کلان‌های کشاورزی و شسانی، سبب بسته ماندن آن‌ها نیز شد وجود کلان‌های متفرق و بسته سبب ظهور حکومتی مقتدر و مستبد شد حکومتی که بر فراز کلان‌ها قرار داشت و یگانه عامل وحدت اقوام آریایی بود و آن‌ها را در خود تجسیم می‌بخشد تفرق کلان‌ها از همدیگر و بسته ماندن آن‌ها و حکومتی تفرق طول عمر اقتصاد طبیعی را در بین قباایل آریایی باعث شد و هر کلان یک واحد اقتصادی مستقل و کامل بود که با دلدلی کالا و روابط بیرون‌گرد پیدایش مالکیت خصوصی، تقسیم اجتماعی کار، و پیدایش طبقاته، جلوگیری به عمل می‌آورد فرمانروا هم یگانه مالک زمین به شمار می‌آمد و کلان‌ها فقط صاحبان موروثی حق انتفاع به شمار می‌آمدند بدین خاطر فرمانروا پسر

## نگارشی دیگر



توانست نظام ملوک‌الطوایفی و حکومتی غیرمتمرکز هم‌چون نوع اروپایی را تجربه کند شهر نیز قرارگاه کارگزاران اداری حکومت بود و تنها هنگامی رشد می‌کرد که از لحاظ پایگاه برای تجارت خارجی مناسب بوده باشد به طور کلی ساختار نظام سیاسی در ایران تا پیش از دوره‌ی اسلامی و در دوره‌ی هخامنشیان و ساسانیان استبداد شرقی سنتی بر دیوان‌سالاری بود که سازمان آبیاری گسترده‌ای را در انحصار خود داشتند و قبل از استقرار امپراطوری هخامنشی متکی بر پراکنگی و متفرق ماندن کلان‌های کشاورزی و شسانی از هم بوده است هرچند در این دوره برده‌داری و فئودالیسم به اشکالی ویژه خود را در مناسبات اجتماعی - اقتصادی ایران نمایان ساخت اما تا پس از استقرار اسلام نیز نظام دودمانی پهلوسالاری و بزرگی و فئودالیسم ایرانی و تپول‌داری همه و در کنار همه به زیست خود ادامه می‌دادند در این دوره انجمن‌های صنعتی از خودبخاستاری بی‌بهره بودند و دولت مرکزی به وسیله پارانیز بر آن دخالت مستقیم نداشت.

در قرون نخستین اسلامی، جامعه‌ی ایرانی شاهد تحول از نظام طبقاتی شبه کاستی به نظام طبقاتی شبه باز بوده و در آن رفت و آمد و ناهم‌جایی طبقاتی منع قانونی و دینی نباشته است. نظام طبقاتی در اجتماعات ایلی عرب بسیار ساده‌تر از نظام پیچیده طبقاتی در امپراطوری ساسانی بود و تسلط این نظام بر مناسبات اجتماعی - اقتصادی ایران، عاملی مؤثر برای کاهش تاوان آرمان‌های طبقاتی دوران ساسانی شد هرچند با تسلط ایرانیان بر نظام اداری خلفای اسلامی، نظام سیاسی شاه - پدیری از دوره‌ی ساسانی به دوره‌ی اسلامی انتقال یافت.

آرمان‌های مذهبی اسلام، قانون ارت. امکان خرید املاک مزروعی برای همه‌ی طبقات و نیز پیورش‌های معلوم ایلات از خارج و از داخل کشور که از عوامل اساسی آبادیاری در استقرار قدرت طبقاتی حاکم و بقای آن محسوب می‌گردید مانع شکل‌گیری طبقاتی مشکل و قدرت‌مند از اعیان و اشراف و نجبا گردید با فروپاشی هر سلسله گردش در سرامان و اعیان و اشراف ایجاد می‌شد و سرامان جدید نیز جای خود را بعد از انقراض سلسله‌ی جدید به دستمای دیگر می‌سپردند و این چرخه

کلیه جماعات و مظهر الهی وحدت آن‌ها بود و محصول اضافی به او تعلق نداشت در طول تاریخ این‌گونه جامع داری ساخت سیاسی - اجتماعی ماندگار در کنار سلسله‌های گذرا بودند و سبب پیدایش استبداد شرقی در ساخت سیاسی و رکود شرقی در ساخت اجتماعی - اقتصادی شدند و همین امر مانع ورود این نظام‌ها به مراحل برگی، فئودالیسم و بالاتر و یا آن ویژه‌گی که در غرب اتفاق افتاد شدند. هاگر بنخواهیم الگوهای تجربی را بر داریم در ایران در جستجوی «نظام برگی» از نوع یونان و روم یا نظام فئودال از نوع اروپای غربی بر آییم یا غربی نوعی می‌شویم یا مسجوریم برای واقعیات تیسراتی نترسیم و به دعاوی بنون مغرب دست زبیم» هرچند گاه در مآثر آریان بعضی از اراضی را به درباریان و دیوبانان و شهرنایان خویش می‌بخشیدند، اما این امر در ساختمان اجتماعی و اقتصادی کلان‌ها تغییری ایجاد نمی‌کرد هرچنین برگی در تمدن‌های بومی ایرانی قبل از آریایی‌ها وجود داشته، موقعی که تمدن مختلط آریایی و بومی شکل گرفت. هرودت نیز به وجود بتگان یونانی متعلق به پولیس‌های مختلف یونان که در روستاهای ایران به کار زراعت می‌رناخته اشاره می‌کند برگی به طور عمده خانگی بود و هرگز در ایران بنان بسطی توسعه نیافت که در یونان و روم به چنان بسطی رسیده بود اما از لایزال سلسله‌ی ساسانیان چوپان شکاستن کلان‌ها و بسط قدرت دیهگان و منصب‌داران صاحب نیول قوت می‌گردد که واکنش کلان‌ها را باعث می‌شود و جنبش سزنگ بیان‌کننده‌ی تمایل دهقانان به بازگشت به دوران کلان‌ها و مساوات کمونی است در این دوره جامعه‌ی ایرانی به دوره‌ای از تکامل اقتصادی و اجتماعی دست یافته بود و نظام طبقاتی پیچیده‌ای شکل گرفت. ارتشیر یازگان برای جلوگیری از استخگی طبقات ننگاه‌ی آزادگان اداری تشکیل و انسجام خاصی می‌گرفتند بدین سبب نظام «شاه - پدیری» هر بار که در بی رضیفند طبقه‌ی اشراف به سود خویش بود یا تا کماسی رومیرو می‌گردید و بدین طریق نوعی تعامل میان قدرت شاهنشاه و قدرت خاندان‌های اشرافی ایجاد می‌شد هرچند در زمان اشوریون این توازن به نفع نظام سیاسی «شاه - پدیری» تغییر کرد و بدین طریق فئودالیسم ایرانی

تاکنون به چرخش خود ادامه داده است و تمامی آن تاوان غارت و چپاول محصول توده مردم و ثروت‌های ملی بوده است.

استبدادستی بر دیوان‌سالاری در دوران صفویه که سازمان آبیاری گسترده‌ای هم نداشتند در عصری اتفاق افتاد که غرب به مرکز نقل‌نم‌ن نوین جهانی تبدیل شده بود. هر چند صفویه بعد از مدت‌ها توانستند حاکمیت ملی را در ایران سازمان دهند و فرمانروایی سیاسی را جانشین اربابیت فئودالیستی کنند. صفویان کوشیدند سنت سیاسی و سلطنتی، تمرکز قدرت شاهنشاهی را در زیر لای دین تشیع احیا کنند و ایران را از دست‌برد خلفای عثمانی محفوظ نگاه دارند. از آغاز پادشاهی اقامحمدخان قاجار که در نظر مالکیت متمرکز دیوانی و موقوفه و ضیاع و غارت متعلق به ملاکان و دهگانان، به تشریح نوعی فئودالیسم موسوم به نظام اقطاعی شکل می‌گیرد. هر چند مقررات قضایی و عرفی حاکم بر آن با فئودالیسم غربی متفاوت است. اقطاع به دستور سلطان و به امیران نظامی که در دوران سلسله‌های ترک قدرت عظیم کسب کرده بودند داده می‌شد. اقطاع دار مشرفی از عواید خود را به خزانه دولت می‌پرداخته و عمالشی یاقی را از نقضی و جنسی برای صاحب اقطاع کسب می‌نمودند. با کوچک‌تری نظام سرمایه‌داری در اروپا، فلسفه‌های سیاسی کهن در آن جا فرو می‌ریختند. با پیدایش عصر نوآوری و فروپاشی نظام کلیه سدهای پیشین، نظام سیاسی دولت - کشور استقرار می‌یابد. با جنگ جهانی اول نظام سیاسی دولت، کشور وارد عصری بین‌المللی شده و نظام‌های کهن را به چالش می‌کشد. یکی از این نظام‌های کهن حکومت‌های متمرکز و مسلمان در ایران بود که در پی پیدایش و فروپاشی هر سلسله‌ای خود را بازتولید می‌نمود. میرزا رضای کرمانی با شلیک گلوله به سمت ناصرالدین شاه بر فلسفه‌ی سیاسی ساهی خلفونی که دستگاه ایدئولوژیک قدرت‌های استبدادی را از دوران صفویه و بعد پدید می‌آورد، کشته وارد ساختند. جنبش تنباکو نشان داد که مجتهدین در مبارزه با کشورهای استعماری از پشتوانه‌ی توده‌ی بی‌سواد نیز خواهند بود.

قاجارها فاقد دیوان‌سالاری قابل توجه بودند و بر جامعه‌ای حکومت می‌کردند که شیوه‌ی آبیاری غیرمتمرکز آن - قات - باعث تقویت قدرت اجتماعات و متغییرین محلی در مقابل حکومت مرکزی می‌شد. پادشاه ظرافه و مقصد بود و قدرتش از دربار به همه‌ی مناطق ابراهیم‌پوری گسترش می‌یافت و صاحب‌مستأصلان قنصل‌های ایران از وزراء مستوفیان، مستوفیان، دربارهای ایالات و مرکز افسران و مأمورین ارتش و حکام سراسر کشور، روش‌های ایدئولوژیک اسلام که رسماً رده‌ی جامعه‌ی اسلامی در شهر را به عهده داشت. امام جمعه، کدخداهای فدوات و ولایات، ملاکات، تاجران، رعایت تجار به عهدش بود. کالاهای که بر تولیدات اصناف و محتسب که بر کارهای عمومی بازار نظارت داشتند. این مجموعه به شاه در سازمان دادن قدرت مطلقه‌اش یاری می‌رسانند. غیر از این‌ها شاه هیچ وسیله‌ی مؤثری برای اعمال قدرت نداشت. فاقد ارتش دائمی بزرگی بود و از دستگاه دیوان‌سالاری گسترده نیز

می‌بود. هر دو شیخ‌الاسلام و امام جمعه‌ها که از سوی حکومت انتخاب می‌شدند فاقد مشروعیت مذهبی بودند و توده‌های شهری رهبری مذهبی می‌چینانند. آن‌ها می‌توانستند که همواره از دستگاه حکومت مستقل بودند اما عواملی که به قاجارها یاری رسانند تا هم چنان چرخه‌ی استبداد را باز تولید کنند اجتماعات متابع کشور، تفرق این اجتماعات از هم، شکاف‌های عمیق میان آن‌ها وجود داشت و مانوری که پادشاهان در راه بهره‌چستن از شکاف‌ها به کار می‌بردند تمایز بین شیوه‌ی تولید با زمین‌دینی و عشایری و شیوه‌ی تولید روستایی و شهری، شکلی بود که بین آن‌ها وجود داشت. زمین ناپارور، کمبود باران و فتنان منابع بزرگ آب دست به دست هم داده بودند و جمعیت کشور را در واحدهای کوچک و مجزای دهکده‌های دورافتاده، شهرهای متفرق از هم و طبایعه‌های چادرنشین پراکنده کرده بود. شصت درصد جمعیت پنجاه میلیون کشور در ۱۵۰۰۰ دهکده‌ی روستایی و سی درصد آن در ۲۵۰ واحد عشایری مستقل و ده درصد باقی‌مانده ساکن شهر بودند. بسیاری از این دهکده‌ها و واحدهای عشایری مستقل، سوی مالکان محلی و روسای عشایر عرضه می‌شد. در شهر تنها تجارت کالاهای تجملی رایج بود. فتنان امنیت جامعه‌ها از گسترش ارتباطات تجاری مابین شهرها جلوگیری به عمل می‌آورد. تنوع زمانی نیز به چالش بیش از پیش اجتماعات می‌افزود. علاوه بر آن، تعلقات مذهبی مختلف سنی، ازمسی، آسوری، شیعی، یهودی، زرتشتی و دین‌پندی‌های مختلف سیاسی، هجرت‌های جزیری، نعمتی، منشره، شیخیه، فرقه‌های کردستانی بر تفرق اجتماعات افزود و هر فرقه‌ای در شهر و در محله‌های خاص ساکن نمود. این مجموعه عملی بود که عمدتاً تاریخی و منبعث از جغرافیای طبیعی و سیاسی کشور بود و به استبدادکهن یاری رساند تا در عهد قاجاریه نیز به حیات خود ادامه دهد. با پیدایش جهان غرب و انتقال مرکز نقل‌نم‌ن جهانی به اروپا و مهاجرت از همه‌شکل‌گیری نظام جهانی سرمایه‌داری در جهان چالش‌های نویسی سادیت یافتند. در عصره‌ی سیاسی فلسفه‌ی سیاسی دولت‌مداری، فلسفه‌های سیاسی کهن را به چالش فراخواند و رنگ خطر را برای بقای آن‌ها به صفا درآورد. انقلابات فرانسه تأثیری ویرانگر بر ساخت نظام‌های سیاسی اروپایی در مرحله اول و بعدها بر ساخت نظام‌های سیاسی جهان وارد نمود. شیوه‌ی و مشروطه‌نوی‌های در ایران ثمری این تأثیرات بود از سوی دیگر با پیدایش نظام جهانی سرمایه‌داری سالیانات بازرگانی خارجی در اغلب کشورها رواج یافت. همپا امر یعنی استعمار خارجی در کنار استبداد کهن سیاسی منضمی و استقرار دموکراسی (مشروطه) در ایران شد. از آن پس نیز استعمار خارجی و استبداد شیمیدین به مثابه‌ی دو حلقه‌ی متصل به هم و منبع راه‌ی ملی و شکوفایی و شکل‌گیری اقتصادی ملی استقرار نظام سیاسی دموکراتیک در کشور گردیدند. اندیش در ارتباط با مشروطیت می‌نویسد: نهفتگی ملی مشروطیت از نوع جنبش‌های آزادی‌خواهی طبیعی

متوسط شهرنشین بود. مهم‌ترین عناصر تغفل اجتماعی و ایدئولوژی آن نهضت را دموکراسی سیاسی لبرالسم پارلمانی می‌ساخت و این جنبش، هم‌پا با اغلب حرکت‌های اجتماعی، طبقات و گروه‌های مختلف مشارکت داشتند. طبقات و گروه‌هایی با افاق انحصاری گوناگون و وجهه نظریه‌های متمایز، روشن‌فکران اصلاح‌طلب و انقلابی هر دو بازرگانان ثروتمند و روشنفکران روشنی‌بین سی معاصر اصلی سازماندهی آن نهضت بودند. روشن‌فکران که جمعی که در زمره‌ی درس‌خوانگان جدید به شمار می‌رفتند نمایندگی تغفل سیاسی غربی بودند خواهان تغییر اصول سیاست و مروج نظام پارلمانی، تکیه‌گاه فکری این گروه در مرحله اول، اندیشه‌های انقلاب بزرگ فرانسه بود. حتا در اوایل نهضت می‌توانیم که جوانان پرشور هر کلمه‌ی رسالی از انقلاب فرانسه در بمل دارند و می‌توانستند رل ریسپروانتان را بازی کنند... و مگر کلمات آتشینانه در شکت ریمت که در ایران مشروطیت هم دو کتاب از انقلاب فرانسه ترجمه شده بود.

آبراهامیان می‌نویسد: این انقلاب با پایانی بود بر شیوه‌ی سنتی حکومت در ایران که در آن شاه هسایه‌ی خاندان در زمین به بدون هیچ‌گونه محدودیت قانونی و سازمانی بر رعایایش فرمانروایی می‌کرد. عاقبت مشروطه‌خواهان در اوت ۱۹۰۶ و یک سال بعد از انقلاب یوروزا دموکراتیک روسیه، مشروطیت خود را به دست آوردند و تا مدت‌ها به نظام استبدادی بازی باز پی گرفتند. قدرت استبدادی خود شکستش شدید را با مشروطه‌طلبان سازمان داد. در آغاز انقلاب مشروطیت صنعتگران و کارگران، بازرگانان ثروتمند و تجار خود سفیدفروشان و فروشندگان دوره‌گرد معارضداران و شاکرانشان، علما و طلاب علوم دینی، مسلمانان غیرمسلمان برای هر دو گروهین نظام استبدادی با هم متحد شدند. اما اشراف بازرگانان، صنعتگران و کارگران قیرماهر که با اقتصاد کاخ شاه پیوند داشتند، برخی علمای محافظه‌کار و طلاب علوم دینی و نیز توده‌های فقیر شهری، هوادار استبداد بودند. کارکنان و حقوق‌بگیران دربار و خدمه‌ی آنان بخش قابل توجه از نظارت را تشکیل می‌دادند که در تظاهرات علیه مشروطه‌خواهان در میان توبخانه شرکت داشتند. در تبریز قاطرچیان و شترانان به ارتجاعی نیروی شهر شرکت داشتند و در شیراز یک انجمن فلسفانقلابی شکل شده بود. با انقلابیون به زد و خورد می‌پرداختند. شهرها عمدتاً بی‌نی مسته‌ی هم‌ها در مشروطه و دسته اشراف تقسیم شده بود. تهروری‌های روشن‌فکرانی که محل انقلاب فرانسه را پیش روی داشتند نفوذ عقاید سوسیال دموکراسی در بین روشن‌فکران، برخی از رهبران دموکراسی را از صف مشروطه‌خواهان جدا ساختند. نفوذ آن‌ها بر روی توده‌های دهی توست شهری، توده‌ی مردم را از مشروطیت و اهداف آن بدین ساخت و فقط محله‌های طبقه‌ی متوسط و بورژوازی و خرده بورژوازی بازار بودند که همچنان بر بی مشروطیت باقی ماندند. توده‌ی دهقان که بخش اعظم جمعیت کشور را تشکیل می‌داد نقش در انقلاب نداشت و این در حالی است که دهقانان در انقلاب‌های روسیه چین، یوگسلاوی و در

تاریخ کشور

اکثر جاهایی که به موفقیت انجامید سهمی عظیم داشتند نباید بذریقت که دهقانان ذهنی استبدادپز داشتند و اسارت ذهنی سبب انفعال آن‌ها در انقلاب‌های معاصر بوده است. بسیاری از مردم‌شاهان معاصر در ظاهر در روستاها به هیچ‌وجه بنیانگر نگرش درونی روستاییان نیستند آنان در عمل مطیع‌اند اما در خلوت افکارشان مالکان را به زیر سؤال می‌برند و در خفا از مالکان یا کینه سخن می‌گویند در بسیاری از نقاط نیز دهقانان دست به «مقاومت منفی» می‌زنند اما در نهایت به جز در گیلان همسو با نهضت جنگل ما شاهد مشارکت وسیع دهقانان در سه انقلاب و جنبش معاصر نبودیم و مبارزان شهری در کشاندن توده دهقانان به مشارکت با شکست رویه‌رو شدند برکنگن مور در کتاب ریشه‌های اجتماعی موموکاری و دیکتاتوری و بسیاری از تحلیل‌گران مسایل دهقانی وجود سه عامل سیاسی و اجتماعی را در فعال شدن توده دهقانان و موفقیت جنبش‌های دهقانی مؤثر می‌دانند الف - وجود دهقانان ج - دولت مرکزی ضعیف

دهقان متوسط طاری آن اندازه زمین است که او را از وابستگی به متنفذین محلی و حکومت مرکزی بی‌نیاز سازد و دارای آن میزان زمینی هم نیست که او را حافظ وضع موجود سازد و همین خصوصیات سبب حضور او در جنبش‌های اجتماعی می‌گردد تجربه‌ی انقلاب‌های روسیه و چین نشان داده است که در روستاها و در حین مبارزه، نقش درجه اول داشته‌اند شکل‌گیری اقتصاد مستثنی بر بازار، اقتصاد طبیعی را از بین می‌برد و روستاییان را با تجارت ملی و چه بسا جهانی پیوند می‌دهد روستایان در معرض نوسان‌های شدید بازار قرار می‌گیرند و بی‌ثباتی قیمت‌ها و بازارهای اشفته و ... در نهایت روستاهای مستثنی درون‌گرا را به روستاهایی می‌گرداند بیرون‌گرا می‌سازد و سبب پیوند روستا و شهر می‌گردد

ب - موفقیت شورش‌های بزرگ دهقانی در زمانی به وقوع می‌پیوندد که سبب گرداننده آن حکومت مرکزی دارای موفقیتی متزلزل گشته‌اند در ایران و تا سال ۱۳۲۹ سررہفت خانیلده مالک ۳۰ هزار روستا پیودانند

ج - در حالی که ۶۰ درصد از دهقانان بی‌زمین بودند ۳۳ درصد از دهقانان، کمتر از یک هکتار، ۱۰ درصد بین یک و نه هکتار و فقط ۲ درصد بیش از سه هکتار زمین داشته‌اند که می‌توان آن‌ها را دهقانان متوسط نامید

هجوم بی‌درین کوچک‌نگار به خاک ایران، وجود سلسله‌های زودگذر، باز تولید چرخه‌ی استبداد مصادره‌ی اصول، تغییر در بی‌تجربگان سیاسی و اقتصادی و عدم شکل‌گیری طبقات در روند طبیعی خود تقویت شهروا و روستاها از هم، وجود اقتصاد مصادره‌ی کمالی از بی، منابع تاریخی، طبیعی، اقتصادی و اجتماعی بوده‌اند که مانع شکل‌گیری طبقاتی دهقان متوسط در اکثر نقاط کشور شد و وجود دهقانان انفعالی در گیلان از سنی توان ناشی از عوامل جغرافیایی و اجتماعی گوناگون داشتند. کارهای محرز بر خلاف بسیاری از نقاط ایران دارای کار حاصل‌خیز و آب فراوان است. بسیاری از ۳۰۰ فقره روستاهای گیلان را باران‌زها و جنگل‌ها و

چراگاه‌ها از یکدیگر جدا کرده و نزدیکی جغرافیایی و سهولت ارتباط گیلان با روسیه نیز باعث رونق کشاورزی تجاری گیلان شده بود چه تقاضای تاجر روس باعث کشت ابریشم، پنبه، برنج، چای، کتف و دیگر محصولات می‌شد همین امر سبب شد که در گیلان سرمایه‌داری روستا به وجود آید و نیز روستاهای سنتی به روستاهای بیرون‌گرا تبدیل گشته و دهقانان متوسط و ناراضی دارای رشد گمنی شوند

با پایان جنگ اول و شکست آلمان و متحانش، انگلیسی نطقه‌های جنگ سرد یا شوروی را بی‌ریختن با پیشانی نفت در جنوب ایران و منطقه خلیج فارس و نقشی که ایران در منطقه داشت و هم‌زمانی‌اش با اتحاد شوروی، انگلستان را که از گسترش جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک در ایران به وحشت افتادند بود در فکر کودتا نشاندند و رضاشاه را که از شکافه‌های مابین روش‌فکران لیبرال و سوسیالیست و مشروعیت خواهان آشنا بود با بڑی تاسوینالیستی به میان کشاندند با شکست مشروعیت استبداد کهن نیز فرو ریخت و جای آن حاکمیتی استبدادی و شبه مدون که به استبداد نفی معروف است بر سر آمد تا به نقش خود در باز تولید نظام جهانی سرمایه‌داری عمل کند این حاکمیت به جای توسل به فلسفه‌ی سیاسی سفاکانه‌ی خداوندی، با توسل به درآمدهای نفتی و با تکیه به آن دستگاه‌های اداری و ارتشی منظم با سازمان داد از آن پس ششگونی در ایران سازمان یافت که رابدهی قدرت حکومت بود و شبه پارلمانی که لبراز قدرت شاه به حساب می‌آمدند آن‌ها با توسل به ایدئولوژی راست و عظمت‌خواه ایرانی سعی بر آن داشتند تا بین حکومت خود و حکومت‌های قبل از اسلام پیوندی ایجاد نمایند با رشد اقتصاد آلمان رضاشاه که نزدیک‌تر بود و آلمان را بعد از مدتی، به دید گرایش به آلمان پیدا نمود به طوری که در هنگامه‌ی جنگ جهانی دوم ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد اما غیر مستقیم در آرزوی بیروزی آلمانی‌ها بود و در اعمال آلمانی‌ها به شدت در ایران به فعالیت مشغول بودند. دولت عاقبت متنفذ به حکومت ایران اختصار کردند و با بی‌نور مالدن خطرها در شهریور ۱۳۲۹ به ایران حمله کردند رضاشاه از سلطنت کناره گرفت و با خروج او از کشور شور و شادمانی کشور را در بر گرفت زبانیان سیاسی آزاد شدند اجتماعات شکل‌گنی یافت و زورنامه و کتاب قارغ از مائوسو منتشر گردید هر چند با جانشینی محمدرضا به جای پسر خداد فرتنی به وجود نیامد اما قدرت تقسیم و بازگشت شد قوهی قضاییه دارای استقلال و اقتدار گردید زمین‌داران، درون‌سالاران، زورنامه‌نگاران و روشنفکران به میدان آمدند احزاب سیاسی متناوبی در کشور شکل گرفت با ایجاد توازن جدید قدرت، غالب دکتر محمد مصدق در فروردین ۱۳۳۰ نخست‌وزیر ایران شد و دولتی مستقل و ملی سازمان داد اما نیز از سنی تالیست به حاکمیتی دوگانه در ایران پایان دهد در اصل او رهبر جنبش بود که در بی شکست جنبش مشروعیت‌خواهان استقرار دموکراسی را می‌پسندید بود شاه و قدرت‌های محافظه‌کار و هردستی استعمارگران انگلیسی و امریکایی عاقبت با توسل به

کودتا جنبش را با شکست رویه‌رو ساخته و استبداد مستقیم سرزمین این‌بار به رهبری محمدرضا پهلوی باز تولید گردید تا اولین همچون نقش خود را در چارچوب نظام جهانی سرمایه‌داری ایفا نماید در ۱۳۳۰ یازدهم نخست‌وزیر، هفده گابینه تشکیل دادند که بیست‌وسه سار ترمیم شدند از یکصد و پنجاه سیاستمداری که در این دوره مستعفی نخست‌وزیری و وزارت را عهددار شدند یک سوم آنان به طور مرتب در گابینه‌ها شرکت داشتند از آن عده بیش از دو سوم سیاستمداران سلطنت‌طلب بودند و تیسریات بی در بی گابینه‌ها تیسری و شصیل مناسب هیچ تأثیری در قدرت و وضع مستحکم این گروه نداشتند

راه تکمیل این سیاستمداران می‌گوشید از طریق تجدیدنظر در قانون اساسی اختیاراتش را رسماً افزایش دهد و بنین طریق نظارت خود را بر قوهی مجریه به حاکمیت مکن برساند در طی جنبش دهقانان همچون ده‌ها ده‌ها که با زایلگی که بازگو شد متغزل باقی ماندند طبقه متوسط جدید شهری و بورژوازی ملی از مسبق حمایت نمودند طبقه کارگر شهری به لحاظ کم‌تر از قدر تاجیز و متروزی بود که سنی تالیست پیش‌تاز انقلاب محسوب گردید و فعالیت‌ها و اعتصاب‌هایش طبقه متوسط سنتی را علیه او تود بز بارگشت

با شکست نهضت دموکراتیک ملی، نیروی لیبرال و دموکراتی که دو جنبش تجدیدخواه مشروعیت و جنبش نسبت را هدایت می‌کرد از اضماعی هدایت جنبش تجدیدخواهی و رهایی ملی بازماند با فشار روزافزون استبداد شهمردن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتدار متوسط سنتی در کنار روحانیون و بازار سنتی که بیش از بقیه افشار و طبقات نگران آینده بودند در تکیه‌ها و مساجد و حسینیه‌ها راه بازگشت به گذشته را موعظه می‌کردند و دست به ایجاد فرهنگ سنتی و تقابل و ستیز با فرهنگ شهمردن زدند و بنین طریق فرهنگ بازگشت به سنت استوار پیوستند

ایدئولوژیک در قبال ایدئولوژی شهمردنیستی متنفذین بی‌زرگیه مسلط گردید احزاب چپ با روی آوردن به مبارزه سیاسی سلسله‌های بسی حاصل و قسیمی‌بانه و تجدیدخواهان با اتخاذ سیاست چپ‌مندی با دربار و انتصاب اولین انقلابی بود که همه طبقات و اقشار و جامعه را به بیان کشاند و قدرت را به عامی ترین شکل ممکن بین طبقات و اقشار گوناگون قسمت نمود اما شکاف‌های اجتماعی و سیاسی و اهداف متفاوتی که بین شرکت‌کنندگان در انقلاب وجود داشت ستیزه‌هایی را در جامعه باعث گردید در ستیز اول که هنوز مرز بندی‌ها بین چپ‌گرایان تجدیدخواهی، رهایی ملی، عناد اجتماعی و اسلام‌گرا مشخص نبود نیروهای متسبب به اقتدار سیاسی مدرن، دست‌گرا شدند در ستیز دوم چهراتی که قرابت تجدیدخواهانه‌ی از اسلام داشت صدمه دید بعد از درگذشت رهبر انقلاب چهار گرایش مزبور به نقد و بررسی خود پرداخته و با شفاف شدن مواضع به صف‌آرایی در قبال هر دو شاه و قدرت‌های محافظه‌کار و هردستی سوسیالیسم واقعاً موجود و بحران و انتقامات که در ج

فرا گرفت باز دیگر آرمان‌های لیبرال دموکراسی در عصری جهانی، نقش مسلط به خود گرفت و فرصت تاریخی نوینی را برای تجدیدخواهان فراهم آورده است. در جامعه ما تجدیدخواهی می‌رود تا نقش هژمونیک خود را احیا نماید. نوگرایان دینی پرچمدار تجدیدخواهی در ایران هستند و طیف وسیعی از بر می‌گیرند با تئوریاتی که جهان به خود گرفته است و فشارهای اقتصادی که کشورهای بی‌ایمنی مبتلا به آن هستند و نیاز به سرمایه‌های شتابور برای گریز از بحران‌ها، گرایش‌های ملی در مومنی ضعیف قرار گرفته و از راهبردی شفاف برخوردار نیست. سیاست‌تشریفاتی سلاح کشورهای است و حاکمیتی ملی و مستقل و قدرتمند که مهم‌ترین پارامتر آن در اتخاذ تأکیدها، مصلحت‌های ملی به حساب می‌آید و از ایندولوپیک کردن دیپلماسی بین‌المللی شدیدا اجتناب می‌ورزند این در حالی است که گرایش سنتگرا که مهم‌ترین ابزارهای قدرت را در انحصار خود دارد در تلاشی است در همی حوزه‌ها دیپلماسی را ایندولوپیک کند.

این سیاست جز انزوا و انفعال و صدمه‌های فراوان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه امروز ایران نتایج مثبتی را به دنبال نخواهد داشت و از آن سوی این خطر وجود دارد که به خاطر تقابل سنتگرایان و تجدیدگرایان در حوزه سیاست تشریفاتی، گرایش‌های ملی طرفی مضمونی منطبق بر شرایط کنونی جهان نگرند و یا تحت تأثیر هر یک از دو گرایش تجدیدخواهی و سنتگرایی به قربانگاه فرستاده شود.

گرایش عنایت‌خواهانه با وجود حضور و تأسیس رو به گسترش و بافضل براندن طبقه کارگر ضعیف‌ترین گرایش در بین چهار گرایش به حساب می‌آید هر چند در بین نوگرایان دینی دستمای علوای بر گرایش تجدیدخواهانه از گرایش عنایت‌خواهانه نیز برخوردارند. در بین اقتدار منبسط و روشنفکران علوای بر گرایش تجدیدخواهانه، گرایش به عنایت اجتماعی نیز دیده می‌شود. حتما در بین نهی‌دستان شهری سنتگرا گرایش به عنایت اجتماعی وجود دارد.

مسلم آن است که در جریان زنگی، هر یک از گرایش‌ها بر گرایش دیگر اثر گذاشته و یا اثر می‌پذیرد. چنانچه تاریخ نشان داده است از کنش متقابل دو گرایش سنتگرا و خواستاران عنایت اجتماعی در شرایط گوناگون تاریخی، سوسیال فونداپوزم و یا سوسیالیسم تخیلی و نوستالژیک افریده شده است. سوسیالیسم دموکراسی حاصل کنش متقابل تجدیدخواهی و عنایت اجتماعی است. اساس آینه سنگی به چگونگی توازن قوای برادره بین نیروهای اجتماع ایجاد می‌گردد هر سه جنبش اجتماعی بزرگی که در قرن معاصر پشت سر گذاشته‌ایم در شرایط شکل گرفته‌اند که بحران هژمونی راس هر دو نظام جهانی را در بر گرفته بود. در چنین وضعیتی جنبش تجدیدخواهانه در صورتی می‌تواند پیروزمند گردد که با راه‌های ملی پیوندی ناگسسته داشته باشد.

منابع

۱. دکتر مکرملی، مومنی در ایران، مومنی قدرت ۲، جنبش‌های اسلامی در ایران، اسامان، قزوین ۲، ۱۳۸۵.

## نظام‌های سیاسی در کشورهای پیرامونی شرق

### استفندیار بهاری

در کشورهای پیرامونی شرق با توجه به سطح تکامل شکاف بین سنت و مدرنیسم با اشکال گوناگونی از نظام‌های سیاسی روبه‌رو هستیم.

#### ۱- نظام سیاسی متکی به استبداد کهن

و آن در صورتی است که توازن نیروهای اجتماعی به طور قطعی به نفع نیروهای سنتگرا باشد. در این نوع از کشورها با هیچ‌یک از مظاهر مدرنیسم روبه‌رو نیستیم و نظام (شاه - پادشاه - پادشاه) با مالکیت از ازل تا حکومت و حق انتفاع برای مردم قابل است. فرمانروا مظهر الهی است و فرد در چارچوب جماعت هویت می‌یابد. شهر عمدتاً نقش مصرفی دارد و دستگاه دیوانسالاری حکومت مصرف‌کننده عمده به شمار می‌آید. حرفه‌ای اصلی در شهر دلال است و بازرگانان عرضه‌کننده کالاها می‌باشند. مصرفی نظام سرمایه‌داری هستند در روستا و عشیره‌ها تقسیم کار اجتماعی ایجاد نشده و میلالات بین جماعت روستایی و عشیره‌ای انجام می‌گیرد. فرهنگ خوبی و قوی شکاف و پراکنگی وحشتناکی را بین اقتدار گوناگون جامعه ایجاد کرده و بزرگترین منابع برای شکل‌گیری دولت - ملت به مفهوم مدرن است.

#### ۲- نظام سیاسی متکی به قدرت دوگانه

در صورتی که بین سنتگرایان و مدرنیست‌ها توازن برقرار باشد. بحران قدرت را در بر می‌گیرد. نیروهای استبداد کهن و مدرنیسم با اشکال گوناگون به مبارزه با هم بر می‌خیزند. سنتگرایان سازمان‌ده حکومت و مدرنیست‌ها با تشکیل دولت خواهان انتقال قدرت از حکومت به دولت می‌باشند. در چنین کشورهایی با رشد شکاف‌ها بین طبقات پاره‌گی خاصی ایجاد می‌گردد و اقتدار و اشتقاق نیروها را در بر می‌گیرد. سنتگرایان به سه لایه تقسیم می‌گردند: ۱- سنتگرایی محافظه‌کار (اسیانه‌زور) ۲- سنتگرایی تندررو (اشبه‌فانسانیت) ۳- سنتگرایی سوسیالیست. محافظه‌کاران نگاه به تحولات دارند و در بخش ایندولوپیک و فن‌سالار تشکیل یافته‌اند و در جستجوی فتح سنگرها هستند. چنانچه از موضع قوی‌تری نسبت به مدرنیست‌ها برخوردار باشند. هم‌راه با دو لایه‌ی دیگر درصد قبیضه کامل از کارهای قدرت برمی‌آیند. در صورت برابری با نیروهای مدرنیسم دست به سیاست کشاکش می‌زنند و با اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون سه راه حرکتها و برنامه‌های مدرنیسم می‌گردند. در صورت تغییر قطعی توازن به نفع مدرنیسم، دچار شک و تردید می‌شوند و راه خود را در صورتی که می‌توانند پیش می‌کشند. پیش از آن تئوریهای لایه‌ی دیگر چنان می‌کنند. پیش از آن تئوریهای ایندولوپیک) مبتلا به بی‌تعاونی سیاسی می‌شوند و دست‌های دیگر که عمدتاً تخصص سالار و فن‌کار هستند به شمر مدرنیسم می‌پیوندند. سنتگرایان نسنرو که خواهان بازگشت به عقب هستند در عرضه‌ی اقتصاد خواهان انحصار تجارت در دست خود می‌باشند و در صدد بازگشت به نظام سیاسی متکی به استبداد کهن

می‌باشند آن‌ها در حالی که توازن قوا به نفع سنتگرایان است انحصار تجارت را در اختیار دارند.

هر عمل تمایز قابل مدرنیسم را جزئی کمونیستی و شرکت‌های قلمداد می‌کنند در شرایط برابری قدرت با مدرنیست‌ها. نخبگان کارا مؤثر را یا خریداری می‌کنند و یا با دست زدن به عملی تروریستی از سر راه بر می‌دارند. تندروهای سنتگرای راسته در شرایطی که توازن قوا را به نفع رقیب می‌بینند دست به فریبکاری و ایجاد آشوب زده و با خنده و تیزنگ سنتگرایان سوسیالیست را به درگیری فیزیکی با هواداران مدرنیسم می‌کشند تا زمینه را برای کودتا فراهم آورند و در این راه تریکی به استعمارگران را نیز مجاز می‌بینند و در بسیاری از جنبش‌ها، امپریالیسم از این چشم استفندیار استفاده می‌رود.

سنتگرایان سوسیالیست نهی‌دستان شهری هستند که در دوران تسلط استبداد کهن به مقاله با مدرنیسم بر می‌خیزند. در انقلاب‌های کودتاوار آن‌ها مبارزانی اصلی استفاده اشکرت هستند در جستجوی جامعه‌ای بی‌طبقه هستند. از شور و احساسات ویژه برخوردارند و در راه آن چه که باور دارند چنان می‌سازند. در حالتی که بین سنتگرایان و مدرنیست‌ها رشد شکاف به کمال می‌رسد دست به اقداماتی کور می‌زنند و به ابزار سنتگرایان تکتو تبدیل می‌شوند. با دیدن قطعی مدرنیسم، بسیاری از آن‌ها جذب کارخانه‌ها و جنبش چپ می‌گردند.

#### ۳- نظام سیاسی متکی بر مدرنیسم و شیم مدرنیسم

با قطعی شدن پیروزی مدرنیسم بر سنتگرایی، نیروهای هوادار مدرنیسم ماهیت مشخص تری به خود گرفته و به دو جریان: هوادار مدرنیسم و شبه مدرنیسم تبدیل می‌شوند. تجدیدخواهان منحصی، خواصاهاان راه‌های ملی، تجدیدخواهان و هواداران دموکراسی اجتماعی که نمایندگان خرده‌بورژوازی مدرن می‌باشند جریان اول را تشکیل می‌دهند. فن‌کاران ارشد دلالان سرمایه‌های شتابور چند ملتیی و ترانس‌ها و مراکز مالی امپریالیستی، سرمایه‌های بزرگ داخلی که راه امتزاج با سرمایه‌ی بین‌المللی را طی می‌کنند به دنبال شهم مدرنیسم هستند.

تجزیه‌ی جنبش‌های معاصر در کشورهای پیرامونی نشان داده است که جریان اول در صورتی که پیروزی دست خواهد یافت که در جهتهای متحد به دور هم گردآیند و برنامه‌ی حائقل آن استقرار جامعه‌ی مدنی مردم‌سالار و راه‌های ملی باشد. شهم مدرنیسم با تبلیغ دموکراسی دروغین و توسعه‌ی اقتصادی و رفاهین به راه‌شد چهار از راه‌های زرد در شرق آسیا در سایه‌ی تن دادن به برنامه‌های تبدیل ساختاری ستونق بین‌المللی پول، هدف جز تولید ملی وابستگی به نظام مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام جهانی سرمایه‌داری ندارد و در این راه از باز تولید استبداد شبه مدرن، ایایی ندارد چه سرمایه‌ی جهانی در شکل جدید خود خواهان تقویت ابزارهای سرکوب در کشورهای پیرامونی است. تقریباً سرکوبی اقتصادی به سرکوبی سیاسی نیاز خواهد داشت.

۱۳۸۵ خرداد ماه